

مقالات سعید نفیسی

بزرگان ادب - کتاب‌شناسی

جلد دوم

به‌کوشش کریم اصفهانیان با همکاری محمدرسل دریاگشت



تهران ۱۳۹۰

سرشناسه	: نفیسی، سعید، ۱۲۷۲ - ۱۳۴۵.
عنوان و پدیدآور	: مقالات سعید نفیسی / ج ۲، بزرگان ادب - کتابشناسی / به کوشش کریم اصفهانیان با همکاری محمدرسول دریاگشت.
مشخصات نشر	: تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: بیست و هفت + ۱۰۵۶ ص.
فروست	: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی؛ ۱۵۲. گنجینه کلیات و مقالات، ۵۲.
شابک	: 978-600-5942-09-5
یادداشت	: فیبا.
یادداشت	: نمایه.
مندرجات	: ج ۲. بزرگان ادب - کتابشناسی.
موضوع	: مقاله‌های فارسی - قرن ۱۳ ق.
موضوع	: فارسی - مقاله‌ها و خطابه‌ها.
شناسه افزودن	: دریاگشت، محمدرسول ۱۳۱۵ - ۱۳۸۷.
شناسه افزوده	: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار
رده‌بندی کنگره	: PTR ۸۲۵۵ / ۱۲ ۱۳۸۵
رده‌بندی دیوپی	: ۸۴۳/۶۲
شماره کتابخانه ملی	: م ۸۵-۲۶۹۹۲



نام کتاب	: مقالات سعید نفیسی (جلد دوم: بزرگان ادب و کتابشناسی)
به کوشش	: کریم اصفهانیان با همکاری محمدرسول دریاگشت
ناشر	: انتشارات دکتر محمود افشار
شماره انتشار	: ۱۵۲
شماره گنجینه کلیات و مقالات	: ۵۲
شمارگان	: ۱۰۰۰
آماده‌سازی فنی	: انتشارات ثریا
چاپ	: چاپخانه ترانه
صحافی	: مهر آئین
نوبت چاپ	: اول
سال چاپ	: ۱۳۹۰
بها	: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۵-۵۹۳۲-۰۰-۹۷۸۶۰۰-۵ 978-600-5942-09-5 ISBN



مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی

موقوفات دکتر محمدافشار یزدی

شماره ۱۵۲

هیأت گزینش کتاب و جوایز*

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنر

دکتر ژاله آموزگار - کاوه بیات - دکتر جلال خالقی مطلق

دکتر محمود امیدسالار - دکتر حسن انوری - ایرج افشار

درگشتگان

دکتر یحیی مهدوی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر سید جعفر شهیدی

شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش) - وزیر بهداشتی (وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) - رئیس دانشگاه تهران، یا معاونان اول هریک از این پنج مقام (طبق ماده ۲ و ققنامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر علیمحمد میر (جانشین: دکتر حسین نژادگشتی) - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی) - مهربانو دکتر افشار (رئیس شورا: جانشین: پروین صالح) - آرش افشار (جانشین ایرج افشار) - ساسان دکتر افشار (بازرس)

هیأت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد رئیس هیأت مدیره (از شورای تولیت)
ابراهیم ابراهیمی نایب رئیس هیأت مدیره (از شورای تولیت)، معاون قضائی دیوان عالی کشور
محمدحسین حاتمی مدیر عامل
صمد محمودی بافتوت خزانه دار، حسابدار



مسئول انتشارات کریم اصفهانیان

درگذشتگان

اللهیار صالح - حبیب الله آموزگار - دکتر محمدعلی هدایتی - دکتر مهدی آذر - دکتر یحیی مهدوی - مهندس نادر افشار - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - ایرج افشار.
ریاست هیئت مدیره: دکتر سید جعفر شهیدی (از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳).

اعضای پیشین

دکتر جمشید آموزگار - دکتر منوچهر مرتضوی - بهروز افشار یزدی.

بنام پروردگار یادداشت واقف

اول : طبق ماده ۲۳ و قفسه اول مورخ یازدهم ۱۳۳۲ ه. ش. (... درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و اتحاف دادن جوایز به نویسندگان شریح دستور این وقفنامه گردد.)

دوم : هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ و قفسه (... تعلیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران میباشد. بنابراین کتبی که با وجود این موقوفات منتشر شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. منتخب کتابی که اساس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.)

سوم : طبق ماده ۲۶ (مقداری از کتب رسالات چاپ شده با وجود این موقوفات باید بطور مجرایه و بنام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه و مراکز آموزشی عمومی ایران خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مشرقین خارج دستاورد شود...)

چهارم : چون نظر بازگانی در انتشارات این موقوفات نیست تا حدی که بمانیم جایز است طبق ماده ۲۷ و قفسه هیچ کتاب رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی را انداز بهای تمام شده افزایش دهی دهامیت قیمت گذاری شود (... این افزایش ۲۵ درصد بواسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ایست که برای پست غیر تمهیل شود از کتاب فروشان تقاضا داریم که در این امر خیرگی که با اجنبه تجارتی ندارد با مایاری شرکتی سعی نمایند.

پنجم : براساس موافقت نامه دوم مورخ ۱۳۵۲، ۴، ۱۲ که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسید، قسمتهای متعلق از رقبات مانده جایگاه سازمان اغتنامه و محل توسعه باستان شناسی بطور رایگان به دانشگاه طهران اعطای شد و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد و قفسه که از جمیع تجارت از دادن جوایز ادبی و

نشر کتابی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب «سی» میباشد و اختیار دانشگاه طهران قرار میگیرد و وصول نموده و بنام این موقوفات اعطا و نشر گردد.)

ششم : چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شد است که از طرف ریاست دانشگاه طیفزار متولیان این موقوفات که از طرف اوقاف بصورتیکه آثارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداری امور جزو نشر کتاب انتخاب شود، (ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای سیاست از طرف اوقاف نیز بصورتیکه نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب برقرار نمودند)

هفتم : چون نگارنده این بطور بواسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کار بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره بفرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. درین چند سال اخیر بهم که ده جلد آثار تألیفات خودم از طرف موقوفات بطبع رسیده با کوشش سرپرستی می بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند میتوانند با و مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با اهداف این بنیاد یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل حدت ملی و ایران که وطن مشترک زبانهای دینی همه ایرانیان است، میباشد.

هشتم : این یادداشت کلی برای چاپ در آفاذ هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشار یزدی

آذرماه ۱۳۵۸ ه. ش.

محمد سزاوح

تکلیف سوم

کتابی که با وجود این موقوفات طبع و توزیع میشود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف تقصیر باشد اگر چه بنا نیست
مجموعه مانیک به قلم واقف منتشر شده یا می شود و در صد این مطابقت اندازد و پس اینست که واقف قصد چاپ کتابها
با مال خود داشت ولی زمانیکه دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نموده و چاپ کتب خود
را هم که دارای همین جنبه است به عهده بنیاد و گذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد در برسد چاپ نماید کتب نظم و نثری از کتب شکان آینه گار
با وجود آن چاپ نخواهد شد که هدف غایی واقف آنکه ترویج زبان و نثری و تکمیل وحدت ملی ایران است و بر داشته کتابی که بوی
از نامحیة کزالی و جدلی مجلسی و حکایت از رواج زبانهای خارجی به قصد تحقیر بنیاد ملی و دیگر چیزهای تفرقه آمیز و شایسته
سیاستهای فتنه انگیز باشد باید با وجود این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و نشریات فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل
ایران که ادعای بیاد و هنرینه بیشتر دارد و درآمد بسیار بسیار و کفاف خرج آسار اند به میتوان باند و خسته بانگی این موقوفات چاپ
نمود بشرط آنکه اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای ولایت بعد از وفات یا هر کس در شکایات قانوناً قائم مقام
در تخطی دوم یادداشت واقف منتشره در جلد سوم اتفاق نامه بخاشتم که کتب رسالاتی که با وجود این موقوفات چاپ
میشود باید منزه باشد از محرکات سیاسی مخصوصاً آنکه نباشد یا غرض سیاسی خارجی و یا تحقیر تاریخی و ادبی ایران
شناسی... در پایان آن یک نفر دوم بیم داشتیم که مبادا چنین رسالاتی سالها بعد از زمان خود بسته و گذاشته و پس از آن
بنیاد چاپ شود پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... همه مخاطب این باید آید و به بنیاد موقوفات خود
است نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک و مشغول خاص خود را دارد و مادامی که در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هجتم و فرزند دانشمند من ابرج افشار که به روز نویسنده کاملاً آگاه و بیاد سر پرست انتشارات
این بنیاد است و بعضی برای بکرانی نخواهد بود بعد از ما هم امید است که این روش را ادامه یابد. ان شاء الله. اردیبهشت ۱۳۲۱

تکلیف و تبصره

با در دست افتاب چند روز پیش از درگذشت ۱۳۰۱ هجری قمری

کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرایه و آرد این بنیاد چاپ و توزیع میشود باید منطبق با قیاس افتاب
و قفسه باشد. و هر چه زبان دری و قلم را بر زبان و حکیم حدیثی و تمایز کشور ایران باشد و بوی از ناحیه گریزی و جدایی
طبی نهد. و حمایت ترویج از لهجای محلی در بانهای خارجی. به قصد تضعیف بان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب
رسالات باید منزه باشد از دشمنای تفرقه آمیز و سیاستهای فتنه انگیز و بطور مرموز و پنهانی مخصوصاً نباید آلوده باشد
به اغراض سیاسی خارجی در لغات پژوهش تاریخی. نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران شناسی.

کتاب تاریخی ادبی عالمانه خارجی که از محلی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه میشود اگر اداری هر دو جنبه از سواد
زبان باشد. باید قسمت سواد و لغات را به قسمت بان بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد
چنانچه ازیر گفته منطبق مکن است مؤثر باشد. نشانها و بهیجی گری این بنیاد در انتشارات نمی تواند در هر حال از دروغ و تخریب
پرهیز نکند. به گفته نظامی گنجوی: چنانچه کسی ادب کرد دروغی انبیا نیرج کرد

برای چاپ انتشارات رسالات تنها هزینه و حق الزحمه نویسندگان به حساب اهمیت فوق العاده سودمند بودن کتاب
جایزه نیز چه در نیم این بنیاد در چاپ انتشارات کتابهای خود بطور مسلم ضرر مادی ندارد و بیشتر از ارزش تمام شدن. از
کافه و چاپ و غیره. از راه فروش آرد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مروج و مظهر الدین باشد که تخم
مرغ میزدند و ای و شای. می نمفت و رنگ می کرده می فروخت یک شای! عقیده ما بر اینست که اگر در این مؤخره
و مالی می کنیم سود مغوی که متصور است می بریم. و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و حکیم حدیثی و تمایز
ایران است و ادب می بریم. این بان و حساب مصارف و قف و راه. ایده آل. و هدف ملی خود محسوب می داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به مکتب منتشر شده در آیه ای کتابهای این بنیاد که اضافات و تفاوتهایی که با هم
دارد توجه فرمائید.

دکتر محسن افشار

آبان ۱۳۱۲

مقررات مربوط به جایزه های ادبی و مآبخی

ماده ۳۴ و ضمیمه اول

چنانچه در آموقوقات به مقدار قابل اغزیاش باید واقف یا شورای تولیت می تواند علاوه بر تالیف و ترجمه و چاپ کتب مبلغی از آن را تخصیص به جوایز برای تشویق دانشمندان، دانش پژوهان، نویسندگان و شاعران بدهند، بالاخص برای بهترین نویسندگان و شاعران در مجله آینده، بنابراین باید شعرا و نویسندگان را به سرودن اشعار و تصنیف قطعات نظم و نثر وطنی و ملی و اجتماعی، طرح اقتراعات و مسابقه ها و دادن جوایز از آموقوقات تشویق و ترغیب نمود. تخصیص این امر در زمان حیات با واقف است که با شورت دوستان مطلع خود انجام می دهد پس با نیستش نفره است که دو سوم از متولیان و یک سوم از نیست مدیر شرکت مطبوعاتی آینده یا هر کس را که آنها و اینها به جای شان معین کنند، مرکب خواهد بود.

ماده ۵ و ضمیمه پنجم

بسیب انحلال شرکت مطبوعاتی آینده آنچه در صورتی تخصیص امور مربوط بدان جوایز طبق ماده ۳۴ و ضمیمه اول مقرر دیماه ۱۳۳۷ عهده آن شرکت محول بوده از میان رفته و انجام آن امور منحصراً به عهده واقف پس شورای تولیت است که می تواند از اهل بصیرت یاری بخوانند.

یادداشت واقف

جوایز جوایزی که در این موقوفات تعیین شده نیز مانند سایر امور آن پیرامون هدف آن است تکمیل وحدت ملی به وسیله زبان فارسی یعنی کتب و رسالات و مقالات و اشعار که پیرامون این هدف نوشته شود، خواه به زبان فارسی، خواه به زبانهای دیگر، خواه به وسیله ایرانیان یا ملل دیگر، خواه در خود ایران، خواه در خارج می تواند نامزد دریافت جایزه گردد. برای این کار آیین نامه ای باید تهیه شود، اجمالاً اصول آن را یادداشت می کنم.

جایزه های داده شده و تاریخ اعطای آنها

۱	۱۳۶۸	دکتر نذیر احمد	دانشمند هندی، استاد بازنشسته دانشگاه علیکده (هندوستان)
۲	۱۳۶۹	دکتر غلام حسین یوسفی	دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی (مشهد)
۳	۱۳۶۹	دکتر امین عبدالحمید بدوی	دانشمند مصری متخصص ادبیات فارسی، استاد دانشگاه مصرینش (قاهره)
۴	۱۳۷۰	دکتر سید محمد دبیر سیاقی	دانشمند ایرانی، از موسسه لغت نامه دهخدا
۵	۱۳۷۰	دکتر محمود الدین احمد	دانشمند پاکستانی، استاد بازنشسته دانشگاه پنجاب (لاهور)
۶	۱۳۷۵	جان جون نین	دانشمند چینی، استاد و رئیس بخش فارسی دانشگاه پکن (چین)
۷	۱۳۷۷	دکتر کمال الدین منینی	دانشمند تاجیکستانی، استاد و متخصص ادبیات فارسی (دوشنبه، تاجیکستان)
۸	۱۳۷۹	دکتر نوچه رتوده	دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران
۹	۱۳۸۲	دکتر عبدالحمین ززین کوب	دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران
۱۰	۱۳۸۰	کلیفورد ادموند باسورث	دانشمند انگلیسی، استاد بازنشسته دانشگاه پنتر جنوا آکادمی بریتانیا (انگلستان)
۱۱	۱۳۸۲	فریدون شیری	مختصرای نامور ایرانی
۱۲	۱۳۸۲	تونی نو کورو یا مانی	دانشمند ژاپنی، استاد ممتاز دانشگاه مطالعات خارجی توکیو (ژاپن)
۱۳	۱۳۸۳	پرفور ریچارد فرای	دانشمند امریکایی، استاد پیشین ایرانشناسی دانشگاه آموارد (امریکا)
۱۴	۱۳۸۵	فانس دو بروین	دانشمند هلندی، استاد پیشین زبان فارسی دانشگاه لییدن (هلند)
۱۵	۱۳۸۶	نجیب یال بروی	دانشمند افغانستانی، پژوهشگر و مصنف ستون عرفانی
۱۶	۱۳۸۶	شارل مانزی دو فوشه کور	دانشمند فرانسوی، استاد پیشین دانشگاه پاریس (فرانسه)
۱۷	۱۳۸۷	دکتر عبد الرحمن قریب	دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران
۱۸	۱۳۸۹	دکتر برت گک فراگنز	دانشمند اطریشی، استاد دانشگاه های آلمان و اطریش

فهرست مطالب

به جای مقدمه به قلم ایرج افشار هفده

بخش اول - قرن چهارم تا قرن هشتم

۱. رودکی (قرن چهارم) ۳
۲. مسعودی (قرن چهارم) ۲۰
۳. ابوالعلاء شوشتری (قرن چهارم) ۳۳
۴. رابعه دختر کعب (قرن چهارم) ۳۷
۵. شهرة آفاق (قرن چهارم) ۴۷
۶. ابوالمؤید بلخی (قرن چهارم) ۵۱
۷. ابوالحسن اورمزدی (اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم) ۵۸
۸. فردوسی (۳۲۹ - ۴۱۱ یا ۴۱۶ ق) ۶۶
۹. فردوسی و روحیات ایرانیان ۹۰
۱۰. فردوسی، شاعر جهان ۹۵
۱۱. فواید شاهنامه ۱۰۱
۱۲. وزن شاهنامه فردوسی ۱۱۷
۱۳. معشوق طوسی (اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم) ۱۳۴
۱۴. منوچهری دامغانی (قرن پنجم) ۱۴۰
۱۵. مخلدی گرگانی (قرن پنجم) ۱۴۸
۱۶. لامعی گرگانی (قرن پنجم) ۱۵۴
۱۷. یوسف عروضی (قرن پنجم) ۱۶۴
۱۸. آثار فارسی ابن سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ ق) ۱۶۸

۱۸۱.....	ابن سینا در اروپا.....	۱۹.
۱۸۷.....	خطبه ابن سینا.....	۲۰.
۲۰۰.....	(۳۶۲ - ۴۴۰ ق) ابوریحان بیرونی.....	۲۱.
۲۰۹.....	(۴۱۵ - ۴۵۶ ق) ابونصر کندری.....	۲۲.
۲۳۶.....	(قرن پنجم) ادیب نطنزی.....	۲۳.
۲۴۹.....	(اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم) جمالی مهرجردی.....	۲۴.
۲۵۶.....	(اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم) عمر خیام.....	۲۵.
۲۶۲.....	خیام.....	۲۶.
۲۷۷.....	(۴۵۰ - ۵۰۵ ق) محمد غزالی.....	۲۷.
۲۸۲.....	تعلیم و تربیت در نظر غزالی.....	۲۸.
۲۹۱.....	(قرن ششم) فخر رازی.....	۲۹.
۳۰۰.....	(۴۴۰ - ۵۳۶ ق) ژنده پیل (احمد جام).....	۳۰.
۳۲۷.....	(۴۹۹ - ۵۶۵ ق) ابوالحسن بیهقی.....	۳۱.
۳۵۲.....	(قرن ششم) ادیب صابر ترمذی.....	۳۲.
۳۷۰.....	(درگذشته ۵۸۸ ق) جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی.....	۳۳.
۳۸۷.....	(قرن هفتم) مجدالدین همگر.....	۳۴.
۴۰۸.....	(قرن هفتم) شمس الدین کیشی.....	۳۵.
۴۱۵.....	(۵۳۰ - ۶۱۴ ق) حکیم نظامی گنجوی.....	۳۶.
۴۳۷.....	نظامی در اروپا.....	۳۷.
۴۴۳.....	(اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم) سیف الدین باخرزی.....	۳۸.
۴۶۱.....	(قرن هفتم) خاندان سعدالدین حموی.....	۳۹.
۵۱۷.....	(۶۰۴ بلغ - ۶۷۲ ق. قونیه) مولانا (مولوی بلخی).....	۴۰.
۵۲۴.....	(درگذشته ۶۹۱ یا ۶۹۴ ق) سعدی (۱).....	۴۱.
۵۴۵.....	سعدی (۲) درباره خود.....	۴۲.
۵۸۰.....	سعدی و صفی الدین اردبیلی.....	۴۳.
۵۸۵.....	(قرن هشتم) جهان ملک خاتون.....	۴۴.

پانزده	فهرست مطالب
۵۹۰.....	۴۵. علاءالدوله سمنانی (۷۳۶-۶۵۹ ق)

بخش دوم - دوره قاجاریه و معاصر

۶۱۱.....	۴۶. اشرف‌الدین فروزینی معروف به گیلانی (درگذشته ۱۳۱۳ ش)
۶۱۷.....	۴۷. پروین اعتصامی (درگذشته ۱۳۱۶ ش)
۶۳۰.....	۴۸. محمدعلی فروغی (درگذشته ۱۳۲۱ ش)
۶۳۵.....	۴۹. محمد فروزینی (درگذشته ۱۳۲۸ ش)
۶۴۲.....	۵۰. عباس اقبال اشتهانی (درگذشته ۱۳۳۴ ش)
۶۴۶.....	۵۱. ابوالقاسم لاهیوتی (درگذشته ۱۳۳۶ ش)
۶۵۱.....	۵۲. عبدالعظیم قریب (درگذشته ۱۳۴۴ ش)
۶۷۸.....	۵۳. حسنعلی خان امیر نظام (درگذشته ۱۳۱۷ ق)
۶۹۶.....	۵۴. محمودخان ملک الشعراء (درگذشته ۱۳۱۱ ق)
۷۰۱.....	۵۵. فتحعلی آخوندف (درگذشته ۱۳۲۶ ق)
۷۰۹.....	۵۶. علی اکبر نفیسی (ناظم الاطباء) (درگذشته ۱۳۴۲ ق)
۷۲۳.....	۵۷. دایی گیلانی (درگذشته ۱۳۴۴ ق)

بخش سوم - کتابها

۷۲۹.....	۵۸. اخلاق روحی
۷۳۲.....	۵۹. تاریخ فرهنگ ایران
۷۳۵.....	۶۰. تئمة صوان الحکمه
۷۵۴.....	۶۱. تفسیر فارسی ابوالفتح رازی
۷۵۸.....	۶۲. دیوان نصیرالدین طوسی
۷۶۸.....	۶۳. زادالمقوبین
۷۷۲.....	۶۴. سیرالعباد
۷۷۵.....	۶۵. فهرست کتب کتابخانه‌های ایران و سایر کشورها

۶۶. کتاب تحفة الملوك ۷۹۳
۶۷. کتاب جدید در باب خلیج فارس ۸۱۴
۶۸. کیمیای سعادت ۸۱۸

بخش چهارم - کتابشناسی

۶۹. آیین فارسی نویسی ۸۲۹
۷۰. انقاس نفیسی ۸۴۹
۷۱. آثار چاپ شده ابوریحان بیرونی ۸۵۱
۷۲. المعتمد ۸۵۵
۷۳. ادبیات انگلیس در ایران ۸۶۳
۷۴. کتاب اصول تعلیم و تربیت ۸۷۲
۷۵. دو کتاب تازه از ناصر خسرو ۸۷۵
۷۶. ریاضیات در قرن هفتم ایران ۸۸۲
۷۷. علم کلام در اسلام ۸۸۸
۷۸. کتابهای درسی حساب در مدارس قدیم ۹۰۵
۷۹. کتابهای مهم فتوت ۹۱۶
۸۰. نسخه‌های خطی کتابهای فارسی و عربی در لکنهو ۹۲۱
۸۱. مطالعات ایرانی در لهستان ۹۳۳

فهرستها

- نام اشخاص ۹۴۳
- نام اماکن و اعلام جغرافیایی ۹۹۳
- نام سلسله‌ها، قبایل، فرق، اقوام، مدنیات و ۱۰۱۲
- نام کتب، رسالات و مقالات و ۱۰۱۸



سعید نفیسی



سعید نفیسی
(دانشگاه تهران)

به جای مقدمه

ایرج افشار

سعید نفیسی

(۱۲۷۴ ش - ۱۳۴۵ ش)

به ایرانم، به ایران گرامیم، به ایران جاودانیم
(سعید نفیسی)

دم سرد آبان‌ماه قدیم مردی نیک‌دل، انسانی گرمی و دانشمندی نامدار را از دم زدن بازایستانید و یکی از نخبگان را از جمع اصحاب فضل دور ساخت. مرگ این مرد دوستان و آشنایان و هرکس را که از علم و دانش بهره داشت در غمی سنگین فرو برد. جامعه ادبی ایران نیک دریافت که یکی از ستونهای استوارش بشکست. مرگی بود با آواره از پی زندگانی درخشنده و بارور.

در این مرگ جوامع علمی بسیار سوگوار شد. تمام کسانی که از چهل سال پیش تا امروز به خواندن و فراگرفتن ادب و تاریخ و زبان و فرهنگ ایران و پژوهش در زمینه‌های مختلف آن پرداخته‌اند از اینکه شمع حیات استاد سعید نفیسی فرو مرد، فوق تصور متأثر شدند. نفیسی از وجودهای گرانقدر و بامایه‌ای بود که جوهر حیات را از آغاز جوانی تا دم آخر زندگی بر زادبوم خود موقوف ساخته بود. ایران از قلمش و پندارش دور نمی‌شد. اگر بر صدر داستانی از داستانهای ملی خود نوشته است «به ایرانم، به ایران گرامیم، به ایران جاودانیم» سخن او گزافه نیست. ایران را دوست می‌داشت. به فرهنگ و تاریخ و زبان کشورش خدمات بسیار کرد. آن چنان که یادش همیشه در دل‌های دوستان و شاگردانش بجا و در صحایف کتب زبان فارسی و

تحقیقات ایرانی جاودان خواهد ماند. بی‌گمان آیندگان بیش از هم‌زمانان او بر آثارش خواهند نگرست.

تجلیل شایسته‌ای که از نفیسی شد، خواه در تشییع جنازه، خواه در مجلس ترحیم، خواه در مجالس یادبود، نشانی بود از اینکه استاد ما حسن سلوک داشت و افراد طبقات مختلف به او احترام می‌گذارند. اگرچه در نویسندگی بی‌پروا بود و گاه نوشته‌اش باعث رنجش دوستان می‌شد چون نیتی پاک داشت زود با دوستان آزرده صفا می‌کرد و آسمان رفاقت و محبت از کدورت قلم او صاف می‌شد. تند برمی‌آشفته اما تندتر از آن آرام می‌گرفت. زود می‌گسست و زود می‌پیوست.

نفیسی صاحب صفات برجسته‌ای بود و جمع آن صفات در یک فرد کمتر دیده می‌شود. تندکار و پرکار بود. از بسیاری کار خستگی احساس نمی‌کرد. کتابها و رساله‌ها و مقاله‌هایی که چاپ کرده، مصاحبه‌ها و خطابه‌هایی که از او نشر شده، گوشه‌ای است از مقدار کار او. جز این، مقادیر کثیری نوشته‌های چاپ نشده و کتب استنساخ شده از او به جای ماند که مقدارش کمتر از آثار چاپ شده او نیست. عادتش بر این بود که چون نسخه‌ای مفید می‌دید، اگر از آن خبری نداشت به استنساخ آن می‌پرداخت. دوستانش بسیار دیده‌اند که در گردش و سفر هم نسخه‌های خطی را با خود می‌برد و ساعات فراغت را به نسخه‌برداری می‌پرداخت. هم‌اکنون در میان کتابخانه‌اش آثار متعددی دیده می‌شود که به دست خویش کتابت کرده است.

نفیسی تندکار بود. در نوشتن توانا بود. مقاله‌ها و خطابه‌های خود را سریع و بی‌قلم‌خوردگی می‌نوشت. نثرش زیبا و استوار و فصیح بود. بسیاری از نوشته‌های او از بهترین آثار نثری عصر کنونی به‌شمار می‌آید. حافظه‌اش وسیع و قوی بود. مخصوصاً در شناسایی اشخاص و شناخت کتب مهارت داشت. بصیرت و اطلاع او بر نسخ خطی و کتب چاپی و مقالات فرنگی درباره ایران کم‌مانند بود. غالب محققان امروز در این موارد از او مدد و ارشاد می‌گرفتند.

نفیسی مرد مادی نبود. برای مال دنیا ارزشی قائل نبود. گشاده‌دست بود. کتب عزیز و نفیس خود را بی‌هیچ نگرانی و خستی به دوست و آشنا می‌سپرد. کم اتفاق می‌افتاد که خواستار برگرداندنش باشد، مگر اینکه بدان نیازمند می‌شد. چون مادی نبود در گرفتن حق‌التألیف سخت‌گیر نبود. به آسانی و ارزانی، قبول طبع کتاب برای هر ناشر و کتابفروش می‌کرد. بدان حد

که حیرت رقیبان را برمی‌انگیخت. غالباً او را سرزنش می‌کردند که ارزان‌فروش است. ولی نفیسی را عقیدتی دیگر و اندیشه‌ای بلندتر در سر بود. شور و اشتیاقش در چاپ شدن آثار قدیم او را بر آن می‌داشت که پیشنهاد حق‌التألیف ناچیز کتابفروشان را بپذیرد. ارزش کاری که بر سر آن می‌کرد حتی بدان حد که نسخه را رونویس و یکی دو بار غلط‌گیری و فهرستهای بر آن الحاق کند. بسیار بیشتر از آن چیزی بود که در بهای خدمتش و دانشش و نامش می‌دادند.

زندگی را آسان می‌گرفت. برآوردن آرزو و خوش‌آمدن دوستان را بر هر چیز برتری می‌نهاد. اگر از او در نشریه‌ها و مجله‌ها و در مقدمه کتابها مقالات کوتاه و بلند، پایدار یا باب روز، دیده‌ایم و سخنان و گفتارهای متعدد از او از هر نوع مطلبی در مجالس و مجامع شنیده‌ایم به مناسبت همین نحوه تفکر و روش زندگی بود. رودی بود که از جوش و شور باز نمی‌ایستاد و درختان رودبار خود را مظم، تازه و شاداب نگاه می‌داشت. غالب این مقالات و سخنان را رایگان می‌نوشت و رضایت خواستاران را بر میراندن وقت خود مرجح می‌شمرد.

کتابخانه نفیسی خزانه‌ای بود با ارج و ارزش. از هر دست کتاب و نشریه، به هر زبان و خطی، در آن دیده می‌شد و محقق و دانشجو و دوست و بیگانه از آن استفاده می‌کردند و هیچ‌گاه ضنّت و بخل نمی‌ورزید. در این کتابخانه نزدیک پانزده شانزده هزار کتاب و مجله و نسخه خطی بود. چند سال پیش قسمتی کوچک از آن را به کتابخانه‌های مجلس سنا و دانشگاه کلمبیا فروخت و قسمت بیشتر آن را در اختیار دانشگاه گذاشت که تقویم کنند و برای کتابخانه مرکزی بردارند. هنگام تقویم نسخ خطی ملکیش سعه صدرش را بیش از هر موقع دریافتم. در شگفت ماندم که یک بار هم به صورت تقویم دانشگاه نگاه نکرد و ندانست که کتب خطی او را بر چه مبنا و بر چه میزان قیمت کردند. گرانبها کدام بود و کم‌بها کدام. هر چه گفتند و دادند گرفت. راضی بود که حاصل بیش از پنجاه سال از عمرش در مرکز دانش ایران برای شاگردان او به جای می‌ماند.

نفیسی شوقی وافر و عطشی شدید به تحقیق و تجسس داشت. به همین ملاحظه بود که مشارکت در هر مجمع و کنگره علمی را واجب می‌شمرد. می‌خواست که همواره با جریان تحقیقات مربوط به ادب ایران همراه باشد. در دوران حیات سفرهای بسیار به اکناف و اطراف جهان کرد. ممالک و شهرهای بسیار دید و در بسیاری از دانشگاهها و مراکز علمی سخنرانی و تدریس کرد. نشان و جایزه و تقدیرنامه گرفت. نامی بلند یافت و بلندآوازه زیست. هر دعوتی

را می‌پذیرفت و به هر مجلسی که مدعو بود با میل می‌رفت. حتی بیماری و ناتوانی جسمی را در ایام اخیر عمر نادیده می‌گرفت. عضویت مجامع علمی مختلف را در ایران و خارج از ایران داشت. از فعالیتهای اجتماعی هم گریزان نبود.

نفیسی بیش از چهل سال درس گفت و نزدیک پنجاه سال مقاله و کتاب نوشت و در مسائل ایران‌شناسی تحقیق کرد. کتابهای زیادی نوشت که بسیاری از آنها مفید و قابل استفاده خواهد بود. هزاران ایرانی و خارجی از مجلس درس و بحث او استفاده کرده‌اند و حق استادی و ارشاد بر اکثر کسانی دارد که امروز خود مردان راه تحقیق و تجسس‌اند. کلام خلاصه آن است که زندگیش وقف بر علم شد و شمع وجودش تا قطره آخر در این راه چکید و فروغ و نور بخشید.

امیدش از چند سال پیش بر این بود که سالهای آخر عمر را در پاریس به سر آورد. معتقد بود که چون هوای آنجا مطلوب است آسانتر می‌تواند تنفس کند. آنجا خانه‌ای کوچک خرید. می‌رفت و می‌آمد. بار آخر برای شرکت در نخستین کنگره ایران‌شناسان به تهران بازگشت و سرنوشتش آن بود که در خاک وطن چشم برهم نهد و بدنش در کنار پدرش به خاک سپرده شود.

سرگذشت نفیسی شیرین و تلخ است و چون هر حیاتی فراز و نشیب دارد. خودش چند سال پیش وقایع ایام کودکی، جوانی و تحصیل خود را در یکی از مجله‌های هفتگی با آن نثر فصیح و دلپذیر نوشت. به خوااهش من نیز سرگذشتی برای درج در راهنمای کتاب نگاشت که پس از مرگش چاپ شد. او می‌خواست صورتی کامل از آثار خود تهیه کند که با آن سرگذشت درج شود. ولی روزگار به او چنان فرصتی نداد. من تا آنجا که توانستم فهرستی از کتب او فراهم آوردم که پس از این درج می‌شود.

نفیسی در همین ماههای اخیر زندگی خود همچون دوره جوانی آرزوهای بلند داشت. روزی می‌گفت که قرار طبع دیوان دلشاد ملک‌خاتون را گذاشته است. عکسهای چندین نسخه خیام را تهیه کرده بود که طبع جدیدی از رباعیات خیام انتشار دهد. نفیسی آثار زیادی دارد که چاپ نشده است. تذکره‌اش یکی از مفصل‌ترین آن آثار است.

آثار نفیسی در زمینه‌های مختلف است: داستان و نمایشنامه و قصه تاریخی نوشت. کتابهایی در باب تاریخ ایران انتشار داد. چندین کتاب ادبی مهم عالم را به فارسی نقل کرد.

چندین کتاب و دهها مقاله در باب ادبیات خارجی نوشت. عده زیادی از متون ادبی و تاریخی فارسی را به چاپ رسانید. کتابهایی در زمینه کتابشناسی و عرفان و دستور زبان منتشر ساخت. مدیریت چند مجله را به عهده گرفت. مجموعه‌ای شعر از خود به جا گذاشت. مقالات فراوان نوشت و ...

نفیسی به ادبیات گذشته ایران پیوستگی و دلبستگی تمام داشت. از آن آثار مایه گرفت و مایه حیات خویش را در احیای آن آثار ریخت. بزرگترین خدمت او همین بود که عده‌ای زیاد از نوشته‌های منشور و منظوم بزرگان ایران را منقح ساخت و به چاپ رسانید. نه تنها خود بدین کار عمری گذراند، طالب علمان و دانشجویان و محققان را نیز برمی‌انگیخت که مآثر گذشته فارسی را چاپ کنند و بر غنای زبان و نثر فارسی بیفزایند.

گفتم که نفیسی نثر را در نهایت زیبایی و روانی می‌نوشت. پختگی و شیرینی نثرش بی‌گمان از آن بود که متون قدیم را خوب می‌شناخت و از بس که آن آثار را استنساخ کرده بود ذهنش و قلمش تأثیرپذیر شده بود. نفیسی عده‌ای کثیر از متون مهم فارسی را چاپ کرد و بر آنها مقدمه نوشت. جز این چندین کتاب مستقل در باب شعر و ادبا و نویسندگان ایران از خود به جای گذاشت که دو مجلد «تاریخ نظم و نثر در ایران» از ممتازترین آنهاست. صورت این کتب در فهرست جداگانه آمده است و نیازی به نام بردن همه در اینجا نیست.

تاریخ ایران یکی از رشته‌هایی بود که نفیسی بر سر آن بسیار کار کرد. چند متن تاریخی قدیم را چاپ کرد و چند جلد کتاب منفرد در خصوص مباحث تاریخ ایران نوشت. تاریخ تمدن ساسانی، تاریخ اجتماعی ایران، مسیحیت در ایران از شهر آنهاست. تعلیقاتی که بر متن تاریخ بیهقی الحاق کرده و آنچه به صورت دو جلد کتاب مفصل به عنوان «در پیرامون تاریخ بیهقی» انتشار داد و کتبی که درباره خاندانهای طاهریان و سعدالدین حمویه و ابن بابویه تألیف کرده همه از آثاری است که بی‌گمان پایدار ماندن نام او را پابندان است.

نفیسی با تاریخ ایران نیک آشنا بود. روحش از وقایع تاریخی اثرپذیر شده بود. مجموعه داستانهای تاریخی که به نام «ماه نخشب» نوشت نشانی است از دید او در تاریخ و نمونه‌ای است از زیباترین نثر فصیح معاصر و بهترین نوشته نویسنده آن. عبارتی که در صدر این مقاله به نقل درآمده یکی از زیباترین و عمیق‌ترین جملات آن کتاب است.

مرحوم نفیسی به ترجمه ادبیات اروپا نیز علاقه‌مند بود. دو اثر مهم هومر، ایلیاد و

ادبیه را با زبانی بسیار رسا و درخور حماسه از زبان فرانسه به فارسی نقل کرد. آثار دیگر مخصوصاً از ادبیات روسی و فرانسوی به فارسی ترجمه کرد و همه یادگارهای برارنده از زندگی پرثمر اوست.

این وجود پربرکت پس از هفتاد و یک سال زندگی بارور درگذشت. یادش به خیر و روانش شادباد که قدرش بلند و مقامش روشن و یادگارهایش ارجمند و فرزندانش برومندند و فیض سخنش و ثمر آثارش قرن‌ها پایدار خواهد ماند.

کتابشناسی آثار سعید نفیسی*

الف - آثار ادبی

۱. آتشیای نهفته (یا حسابها درست درنیامد)، ۱۳۳۰.
۲. آخرین یادگار نادرشاه (مایشنامه)، ۱۳۰۶. (چاپهای دیگر هم دارد)
۳. ستارگان سیاه (مجموعه داستان)، ۱۳۱۷. (چاپ دیگر هم دارد)
۴. فرنگیس، ۱۳۱۰. (چاپهای دیگر هم دارد)
۵. گلچینی از دیوان سعید نفیسی، ۱۳۲۸. (چند چاپ دیگر دارد)
۶. ماد نخب (مجموعه داستان)، ۱۳۲۸. (چند چاپ دیگر دارد)
۷. نیمه راه بهشت (داستان)، ۱۳۳۲. (چند چاپ دارد)

ب - ادبیات اروپایی

۸. آدام متیسکیه‌ویچ (ترجمه)، ۱۳۳۴.
۹. آرزوهای برباد رفته، اثر بالزاک (ترجمه)، ۱۳۳۷.
۱۰. ادبیه، اثر همر (ترجمه)، ۱۳۳۷.
۱۱. افسانه‌های گریلف، ۱۳۲۳.
۱۲. ایلپاد، اثر همر (ترجمه)، ۱۳۳۴. (چاپهای دیگر هم دارد)
۱۳. به یاد ماکسیم گورکی، ۱۳۱۵.
۱۴. بل و ویرژینی، اثر برناردن دو سن‌پیر (ترجمه)، ۱۳۳۵.
۱۵. پوشکین، ۱۳۲۵.

* از ذکر محل چاپ در مورد تهران خودداری شد و اگر در جای دیگر به چاپ رسیده، تذکر داده شده است.

۱۶. تاریخ ادبیات روسی، جلد اول، ۱۳۴۴.
۱۷. زندگی و کار و هنر ماکسیم گورکی (با چند داستان)، ۱۳۳۶.
۱۸. عشق چگونه زایل شد و چند داستان دیگر. اثر لئون تالستوی.
۱۹. نایب چاپارخانه: اثر پوشکین، ۱۳۲۶.
۲۰. نمونه‌ای از آثار پوشکین، ۱۳۱۵.
۲۱. یادبود گریلف، ۱۳۲۳.

ج - مقون فارسی

۲۲. پندنامه‌الوشیروان از بدایعی بلخی، ۱۳۱۲.
۲۳. تاریخ گیتی‌گشا، تألیف میرزا محمدصادق موسوی، با دو ذیل تألیف عبدالکریم شریف و آقا محمدرضا شیرازی، ۱۳۱۷.
۲۴. تاریخ مسعودی (معروف به تاریخ بیهقی)، ۳ جلد، ۱۳۱۹ - ۱۳۲۲.
۲۵. دستورالوزراء، تألیف خواندمیر، ۱۳۲۷.
۲۶. دو تقریر از خواجه امام عمر خیام مندرج در مجله شرق، ۱۳۰۹.
۲۷. دیوان ازرقی هروی، ۱۳۳۶.
۲۸. دیوان انوری، ۱۳۳۷.
۲۹. دیوان اوحدی مراغی، ۱۳۴۰.
۳۰. دیوان قصاید و غزلیات معین‌الدین جنید شیرازی، ۱۳۲۵.
۳۱. دیوان رشید و طواط، ۱۳۳۹.
۳۲. دیوان قصاید و غزلیات عطار نیشابوری، ۱۳۱۹. (دو چاپ بعد هم دارد)
۳۳. دیوان قصاید و غزلیات نظامی، ۱۳۳۸.
۳۴. دیوان عمیق بخارایی، ۱۳۳۹.
۳۵. دیوان قاسم انوار، ۱۳۳۷. (چند بار چاپ شده است)
۳۶. دیوان مقطعات و رباعیات ابن‌یمین، ۱۳۱۸.
۳۷. دیوان لامعی گرکانی، ۱۳۱۹.
۳۸. دیوان هلالی جغتایی، ۱۳۳۷.
۳۹. رباعیات بابا افضل کاشانی، ۱۳۱۱.
۴۰. رباعیات حکیم عمر خیام، ۱۳۰۶. (چاپ ششم، ۱۳۱۶)
۴۱. رساله روحی انارجانی، مندرج در فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۳۰.
۴۲. رساله صاحبیه، مندرج در فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۳۲.

۴۳. رساله فریدون بن احمد سهنسالار در احوال جلال‌الدین مولوی، ۱۳۲۵.
۴۴. رساله مجدیه، نوشته مجدالملک سینکی، ۱۳۲۱.
۴۵. زین‌الخبار، تألیف ابوسعید عبدالحی گردیزی (شامل تاریخ ساسانیان تا پایان دوره صفاری)، ۱۳۳۳.
۴۶. سامنامه خواجوی کرمانی، جلد اول، ۱۳۱۶.
۴۷. سخنان منظوم ابوسعید، ۱۳۳۴.
۴۸. سیرالعباد الی‌المعاد، اثر سنائی غزنوی، ۱۳۱۶.
۴۹. شاهنامه جلدهای ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰، چاپ بروخیم، ۱۳۱۴.
۵۰. شاهنامه، جلد اول، چاپ خاور، ۱۳۱۰.
۵۱. فتوت‌نامه ناصری، مندرج در فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۳۹.
۵۲. کلیات عراقی، ۱۳۳۵.
۵۳. گشایش و رهایش، تألیف ناصر خسرو، بمبئی، ۱۳۲۸. (چاپ دوم دارد)
۵۴. گلستان سعدی شیرازی، ۱۳۴۰.
۵۵. لب‌الالیاب، ۱۳۳۵.
۵۶. مقامات عبدالخالق غجدوانی و عارف دیوگری، مندرج در فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۳۳.
۵۷. منتخب قابوسنامه، وزارت فرهنگ، ۱۳۲۰.
۵۸. مواهب الهی (در تاریخ آل مظفر)، تألیف معین‌الدین یزدی، جلد اول، ۱۳۲۶.
۵۹. نصیحت‌نامه (قابوسنامه)، ۱۳۱۲. (چاپ دیگر هم دارد)
- د- تحقیق در ادبیات فارسی و ایران
۶۰. آثار گمشده ابوالفضل بیهقی، ۱۳۱۵.
۶۱. ابن سینا در اروپا، ۱۳۳۳.
۶۲. احوال و منتخب اشعار خواجوی کرمانی، ۱۳۰۷.
۶۳. احوال و اشعار رودکی، سه جلد، ۱۳۰۹ - ۱۳۱۹. (چاپ دوم در یک جلد و با تغییرات)
۶۴. احوال و اشعار فارسی شیخ بهائی، ۱۳۱۶.
۶۵. تاریخ نظم و نثر ایران در زبان فارسی، ۱۳۳۴. (دو جلد)
۶۶. جستجو در احوال و اشعار فریدالدین عطار، ۱۳۲۰.
۶۷. در پیرامون احوال و اشعار حافظ، ۱۳۲۱.
۶۸. در مکتب استاد (مباحث دستوری و املائی)، ۱۳۳۴.
۶۹. روزگار ابن سینا، ۱۳۳۱.

۷۰. زندگانی و کار و اندیشه و روزگار پورسینا، ۱۳۳۳.
۷۱. سخنان سعدی درباره خودش، ۱۳۱۶.
۷۲. سرچشمه تصوف، ۱۳۴۵.
۷۳. سرگذشت ابن سینا به قلم خود او، ۱۳۳۲.
۷۴. شاهکارهای نثر معاصر فارسی (دو جلد)، ۱۳۳۰ - ۱۳۳۲. (چاپ دوم دارد)
۷۵. مجدالدین همگر شیرازی، ۱۳۱۴.
۷۶. نظامی در اروپا، ۱۳۱۴.
۷۷. ترجمه جشن نامه ابن سینا. Le livre du Milleanaire d'Avicenne, 1953.

ه- تاریخ ایران

۷۸. بابک خرم دین، دلاور آذربایجان، ۱۳۳۳. (چاپ دوم دارد)
۷۹. بحرین، حقوق ۱۷۰۰ ساله ایران، ۱۳۳۳.
۸۰. تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان، ۱۳۴۲.
۸۱. تاریخ اجتماعی در دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ، ۱۳۴۲.
۸۲. پیشرفتهای ایران در دوره پهلوی، ۱۳۱۸.
۸۳. تاریخ بیمارستانهای ایران، ۱۳۲۹.
۸۴. تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر (دو جلد)، ۱۳۳۵ - ۱۳۴۴.
۸۵. تاریخ اجتماعی قرون معاصر، ۱۳۳۴.
۸۶. تاریخ تمدن ایران ساسانی ۱۳۳۱ - ۱۳۴۴. (متن جلد اول با ضمیمه آن)
۸۷. تاریخ شهریاری رضاشاه پهلوی، ۱۳۴۴.
۸۸. خاندان سعدالدین حمویه، مندرج در «کنجکاویهای علمی و ادبی»، ۱۳۳۶.
۸۹. خاندان طاهریان، ۱۳۳۵.
۹۰. در پیرامون تاریخ بیهقی (دو جلد)، ۱۳۴۲.
۹۱. درفش ایران و شیر و خورشید، ۱۳۲۸.
۹۲. شیخ زاهد گیلانی، رشت، ۱۳۰۷.
۹۳. مدرسه نظامیه بغداد، ۱۳۱۳.
۹۴. مسیحیت در ایران، ۱۳۴۳.
۹۵. یزدگرد سوم، ۱۳۱۲.

و- لغت

۹۶. فرهنگ فارسی جیبی، ۱۳۴۳.
۹۷. فرهنگ فرانسه فارسی (دو جلد)، ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰.
۹۸. فرهنگ نفیسی (فروندسار)، تألیف علی اکبر ناظم الاطباء (۵ جلد)، ۱۳۱۸ - ۱۳۳۹.
۹۹. فرهنگنامه پارسی (جلد اول)، ۱۳۱۹.

ز- کتابشناسی

۱۰۰. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (جلد ششم)، ۱۳۴۴.
 ۱۰۱. فهرست آثار اروپایی درباره ابن سینا
- Bibliographie des principaux travaux europeenne sur Avicenne, 1953.

ح- ترجمه تاریخ

۱۰۲. ابن خلدون و تیمور لنگ، تألیف والتر فیشر، ترجمه با همکاری نوشین نفیسی، ۱۳۳۹.
۱۰۳. تاریخ ترکیه، تألیف لاموش، ۱۳۱۶.

ط- آثار دیگر

۱۰۴. پیشرفتهای فرهنگی در اتحاد جماهیر شوروی، ۱۳۲۳.
۱۰۵. سازمان آموزش عمومی در اتحاد جماهیر شوروی، ۱۳۲۳.
۱۰۶. سرانجام آلمان (ترجمه)، ۱۳۲۶.
۱۰۷. صنعت تخم نوغان ایران، تألیف ف. لافن و ه. ل. رابینو (ترجمه)، ۱۳۹۸.
۱۰۸. معالجه تازه برای حفظ دندانهای طبیعی و دهان، تألیف گریگوریان.
۱۰۹. هفتاد سال زندگی، پنجاه سال خدمت به دانش (زندگی عبدالعظیم قریب)، ۱۳۲۶.
۱۱۰. هدیه دوستانه، ۱۳۰۴.

ی- مجلات

۱۱۱. امید (روزنامه)، هفت شماره، ۱۳۰۲.
۱۱۲. پیام نو (مجله ماهانه)، دوازده شماره، ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰.
۱۱۳. شرق (مجله)، سال اول، دوازده شماره، ۱۳۱۳.
۱۱۴. مجله فلاح و تجارت، ۱۲۹۷ - ۱۲۹۹، (سه سال).

یا - مقالات

مقالات نفیسی متعدّد و متفرّق و در زمینه‌های متنوّع است و از سال ۱۲۹۰ در جراید و مجلات ایران دیده شده است. چون فهرست اهمّ مقالات تحقیقی او در مسائل مربوط به ایران‌شناسی را در «فهرست مقالات فارسی» (جلد اوّل) متذکر شده‌ام، جای آن نیست که اینجا نقل شود. خوانندگان بدان‌جا می‌توانند مراجعه کنند.*

www.ketab.ir